

## اطاعت از امام



از حضرت علی رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم سپاهی را به فرماندهی مردی از انصار [به یکی از میدان‌های جنگ] اعزام داشت و به ایشان دستور داد که سخنان فرمانده خویش را بشنوند و از او اطاعت کنند، ولی سپاهیان سریه، فرمانده خود را خشمگین ساختند؛ او دستور داد تا هیزوم جمع کنند. هیزوم که جمع کردند، گفت: آتش افروزید، آتش که افروختند، گفت: آیا رسول الله صلی الله علیه وسلم به شما دستور نداده بود که سخنان مرا بشنوید و از دستورهائیم اطاعت کنید. گفتند: آری، گفت: پس در این آتش داخل شوید، آن‌ها به یک‌دیگر نگاه کردند و گفتند: ما برای نجات از آتش سوزان از رسول الله صلی الله علیه وسلم اطاعت کردیم. فرمانده سپاه این سخن را که شنید، خشمش فرو نشست. هنگامی که سپاهیان سریه به حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند و جریان را به اطلاع ایشان رساندند، گفت: اگر داخل آتش می‌شدند، هرگز از آن خارج نمی‌شدند، فرمود:

«إنما الطاعة في المعروف»

(رواه البخاری و مسلم)

**ترجمه:** از امری اطاعت شود که به خیر و مطابق دستورات شرع باشد.

وضعیت امت اسلامی باحکام امروزی مانند وضعیت همان انصاری با افرادی است که از ایشان هیزوم را طلب کرد و آنان جمع کردند و هنگامی که امر کرد خودشان در آتش اندازند، توقف نمودند. حکام امروز از شما جمع کردن هیزوم را می‌خواهد، پس شما هیزوم دموکراسی و قوانین وضعی بشری را جمع می‌کنید، آتش آن را شعله‌ور می‌سازید و با تطبیق آن نفس خودتان در آتش می‌اندازید.

ای مسلمانان! پیامبر صلی الله علیه وسلم برای ما تعلیم داده که اطاعت در کار معروف و نیک است. پس تطبیق احکام اسلام همان معروف و نیک است و اطاعت از کسی که مخالف اسلام امر می کند، جواز ندارد؛ اما مسلمانان امروزی ثقافت (فهم و دانش) جدیدی پیدا کرده اند، طوری که در هر وقت و هر حالت از حکام اطاعت می کنند، اگرچه می بینند که صریح و آشکار به کفر حکم می کنند، ثقافتی که اگر حکام هر نوع ظلم کنند، به محاسبه شان ایستاده نمی شوند و علیه شان دعاء نمی کنند؛ بلکه به تقویه شان دعاء می کنند؛ اگرچه مسلمانان را بکشند، اموال شان را بگیرند و زن و اولادشان را بکشند؛ گویا اعتراض بالای شان جواز نداشته باشد. این ثقافت مانند همان جمع کردن هیزوم و دردادن آتش و انداختن خود در آتش است. گویا این حدیث رسول الله صلی الله علیه وسلم را نشنیده اند. در بخاری و مسلم از عبادة بن الصّامِتِ رضی الله عنه روایت است که گفت:

«بَايَعْنَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى السَّمْعِ وَالطَّاعَةِ...»

**ترجمه:** با رسول الله صلی الله علیه وسلم بیعت نمودیم که در همه اوقات اعم از حالت رضایت و غیر رضایت، دشواری و آسایش و در حالتی که زمامداران عدالت را رعایت نمی کنند، از ایشان اطاعت نماییم، جز این که از آن ها کفر علنی را مشاهده نماییم؛ چنان کفری که دلیل صریح بر آن داشته باشیم.

هم چنان در حدیث دیگری از عوف بن مالک رضی الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:

«خِيَارُ أُمَّتِكُمُ الَّذِينَ تُحِبُّونَهُمْ وَيُحِبُّونَكُمْ...»

**ترجمه:** بهترین رهبران شما کسانی هستند که شما ایشان را دوست دارید و ایشان نیز شما را دوست دارند و شما برای آنان دعای خیر می کنید و ایشان نیز برای شما دعای خیر می کنند، و بدترین رهبران شما آنانی هستند که شما از ایشان متنفرید و ایشان نیز از شما تنفر دارند و شما ایشان را نفرین می کنید و ایشان نیز شما را نفرین می کنند.

پس این ثقافت کینه توز و مردود، که هیچ نفعی در آن دیده نمی شود، در قرون گذشته ائمه و حکام آن را استهلاک نموده و مثل عمامه یا دستار از آن ها استفاده کردند، اما ایشان را در پرتگاه هلاکت و سقوط مواجه ساخت. اکنون مسلمانان با درک عقیده اسلامی دیدگاه خاص و ویژه ای پیرامون شناخت این واقعیت فاسد پیدا کرده اند و خوشبختانه برای تغییر حقیقی نیز طریقه ای را در یافته اند که آن را رسول الله صلی الله علیه وسلم برای شان ترسیم نموده است. امت اسلامی امروزه شب و روز چشم به راه پیروزی و اعاده عزت شان از طریق اقامه خلافت اسلامی هستند.

والسلام علی من اتبع الهدی